

اهداف کلی

- ۱- آشنایی با جمله‌هایی که دارای فعل مضارع مخاطب مفرد هستند.
- ۲- ترجمه و فهم عبارت‌های ساده همراه با فعل ماضی و مضارع
- ۳- آشنایی با دو صیغه‌ی مفرد مخاطب مضارع

هدف‌های رفتاری: دانش‌آموز باید در پایان این درس بتواند:

- ۱- جمله‌های ساده‌ی همراه با فعل ماضی و مضارع مخاطب مفرد را به فارسی روان ترجمه کند.
- ۲- مفهوم صیغه‌های مفرد مخاطب مضارع را درک کند.
- ۳- با ریشه‌ی فعل، صیغه‌ی مفرد مذکر مخاطب مضارع بسازد.
- ۴- با ریشه‌ی فعل، صیغه‌ی مفرد مؤنث مخاطب مضارع بسازد.
- ۵- برای صیغه‌های مفرد مضارع مخاطب، ضمیرهای مربوط به آن‌ها را به کار ببرد.
- ۶- علامت‌های صیغه‌های مفرد مذکر مخاطب و مفرد مؤنث مخاطب مضارع را بشناسد.

تحلیل درس

واژگان

واژه‌های به کار رفته در این درس، دارای ویژگی‌هایی به این شرح است:

- ۱- استفاده‌ی فعال از کلمات ساده یا آشنایی که دانش‌آموزان در دروس قبل با آن‌ها آشنا شده‌اند و یا به‌طور روزمره آن‌ها را به کار می‌برند. مانند:

مسئول - تربیه - زوجه - الأَطعمة - عابده - عفيفة - سالحة - بيت المقدس -
 مشغولة - العبادة - إصلاح - فاسد - المعبد - عادة - رب - رحيم -
 العالمين و... .

۲- استفاده‌ی فعال از پرکاربردترین کلمات قرآنی یا هم‌خانواده‌های آن‌ها مانند: الاطعمة، الفواکه، عابده، سالحة، عبادة، رب، رحيم، تَعَلَّم، العالمين، يَرْزُق، عِبَاد، يَسْأَلُ، عِنْد، كَبُر، وَلَدَت ...

۳- استفاده‌ی محوری از کلمات کلیدی درس (صيغه‌ی مضارع مخاطب مفرد مذکر و مؤنث)

محتوی

این درس، مبتنی بر یکی از مشهورترین قصه‌های قرآنی است. قصه‌ی زکریا و مریم، ماجرای عبادت طولانی او، عفت و پاکدامنی او و سپس ولادت حضرت عیسی (ع) از جمله‌ی شگفت‌انگیزترین و جذاب‌ترین قصه‌های قرآنی است. این درس، حاوی پیام‌های گوناگون اخلاقی است.

قواعد

موضوع آموزشی این درس مبتنی بر دو صیغه از صیغه‌های مضارع مخاطب است:

- مفرد مخاطب مذکر

- مفرد مخاطب مؤنث

تدریس

زمینه

براساس دروس گذشته، صیغه‌های مضارع غایب جمع‌بندی می‌شود. دانش‌آموزان علاوه بر این‌که صیغه‌های ششگانه‌ی غایب را می‌شناسند، باید بدانند آنچه تاکنون درباره‌ی فعل مضارع فراگرفته‌اند، شامل تمام صیغه‌های غایب است و در این درس، آشنایی با صیغه‌های مخاطب را شروع می‌کنند. آنان هم‌چنین باید بدانند:

□ صیغه‌های غایب، گاهی با علامت «یَ» شروع می‌شوند و گاهی با علامت «تَ».

□ از میان چهار علامت صیغه‌های مضارع، فقط علامت «ین» را به کار نگرفته‌اند.

وسایل کمک آموزشی

- ۱- کارت‌های حاوی ریشه‌های افعال سه حرفی
- ۲- کارت «ین»
- ۳- تصویر یا مجسمه‌ی یک دختر و یک پسر (چنانچه از هر یک از آن‌ها حالت‌های گوناگونی هم چون خندیدن، نوشیدن، نوشتن، رفتن و... در اختیار باشد، کار آموزش را سهل‌تر می‌کند)
- ۴- کلاه سبز
- ۵- کلاه آبی

مراحل تدریس

۱- پیش از تدریس، هر چهار علامت مضارع (یَ، تَ، اَ، نَ) و نیز هر چهار علامت صیغه‌های مضارع (ان، ون، ن، ین) در معرض نگاه دانش‌آموزان قرار می‌گیرد تا بار دیگر به یاد بیاورند که برای ساختن صیغه‌های مضارع با این علامت‌ها سروکار داریم. اما از این میان، فقط دو علامت برگزیده می‌شود:

□ علامت مضارع «تَ»

□ علامت صیغه‌ی «ین»

غرض از این اقدام این است که دانش‌آموزان بدانند در این درس، فقط با این دو علامت سروکار خواهند داشت.

۲- دانش‌آموزان در متن درس به جستجو می‌پردازند تا به این سؤال‌ها پاسخ دهند:

□ در این درس، با چه علامت جدیدی مواجه هستیم؟

□ آیا از میان فعل‌های مضارع آموخته شده‌ی قبلی، نمونه‌هایی در این درس وجود دارد؟

□ فعل‌هایی که دارای علامت‌های جدید هستند، کدامند و از چه ریشه‌ای ساخته شده‌اند؟

حاصل بررسی و جستجوی دانش‌آموزان اطلاعاتی خواهد بود که بدین شکل روی تخته‌ی

کلاس نوشته می‌شود:

□ علامت جدید: یَ

□ فعل مضارع مشابه آموخته‌های قبل: تذهب.

□ فعل‌های دارای علامت جدید: تفعّلین، تقدّرین، تخرّجین.

۳- معلم یادآوری می‌کند که :

□ گرچه فعل «تذهب» عیناً مشابه همان صیغه‌ای است که قبلاً تدریس شده، اما در این‌جا دارای معنای دیگری است.

حال، این سؤال را مطرح می‌سازد :

چه تفاوتی میان دو نوع فعل به‌کار رفته در این درس (مانند تذهب و تفعّلین) وجود دارد؟

دانش‌آموزان مجالی می‌یابند تا با جستجوی دوباره در متن درس، این سؤال را پاسخ گویند. آنان ممکن است براساس اطلاعات قبلی و با مقایسه‌ی فعل‌هایی که پس از ضمیرهای «أنت» و «أنتِ» در متن درس آمده‌اند، به پاسخ صحیح دست یابند. اما با این حال، ارائه‌ی پاسخ قطعی یا تأیید نهایی از سوی معلم، به شنیدن و خواندن داستان «خوشا به‌حالت!» موکول می‌شود.

۴- داستان «خوشا به‌حالت!» که حاوی گوشه‌ای از زندگی حضرت مریم (س) است، به اقتضای محدودیت‌های کتاب درسی آن‌چنان فشرده و مجمل مطرح شده است که ممکن است نپرداختن به اصل داستان مبسوط و مشروح آن، موجب عدم انتقال روح داستان و ایجاد تأثیرگذاری لازم باشد. بنابراین، لازم است این داستان، پیش از تدریس متن درس با بیانی داستان‌گونه برای دانش‌آموزان روایت شود. داستان از این قرار است :

مریم مقدّس در دوران نوجوانی و جوانی آن‌چنان عقیف و پاک بود که بسیاری از اوقات خود را به عبادت خداوند می‌گذراند.

او گاهی به‌تنهایی به صومعه‌ای می‌رفت و به راز و نیاز با پروردگار می‌پرداخت. حضرت زکریّا که مسؤولیت تربیت و نگهداری او را به‌عهده داشت، همواره مراقب بود که مریم به خواسته‌ی خود یعنی عبادت برسد.

چند روزی بود که مریم به صومعه‌ی بیت‌المقدس رفته بود و زکریّا از او بی‌خبر مانده بود. زکریّا با خود اندیشید که مریم چه می‌کند؟ از حال او بی‌خبرم. مبادا گزندى به او برسد... پس به خودش نهیب زد که : ای مرد، تو مسؤول تربیت مریم هستی. او الآن تنهاست و شاید گرسنه باشد... چرا تنها ره‌ایش کرده‌ای...؟ چرا سراغی از او نمی‌گیری...؟ درحالی که گویی چیز تازه‌ای به‌نظرش رسیده، ناگهان از جا برخاست. او خود را سرزنش می‌کرد که چرا تاکنون از مریم غافل مانده است. پس به سراغ همسرش رفت و بی‌مقدمه پرسید : آیا غذایی یا میوه‌ای در خانه داریم؟ همسرش که اندکی تعجب کرده

بود، پرسید: برای چه؟ برای که می‌خواهی؟ زکریا ماجرا را گفت و همسرش مشغول تهیه‌ی غذا و خوراکی‌هایی شد تا شوهرش برای مریم ببرد. او پرسید: کی می‌خواهی بروی؟ زکریا گفت: عجله کن؛ همین الآن.

هرچه لازم بود، فوراً آماده شد. مقداری آب، مقداری غذا، میوه و سایر خوراکی‌های لازم را به زکریا داد و گفت: برو، خدا به همراهت. سلام مرا هم به مریم برسان.

زکریا در راه، با خودش فکر می‌کرد: ای مریم نازنین... تو تنهایی... الآن چه می‌کنی؟... می‌دانم که جامعه فاسد است و بدمردمی در این زمانه زندگی می‌کنند اما آیا تو به تنهایی می‌توانی آن‌ها را اصلاح کنی؟... شاید دعاهایت کارساز باشد و لطف خدا شامل حال این مردم شود... خوشا به حالت مریم...

زکریا به صومعه رسید. آرام وارد شد. اندکی خجالت می‌کشید از این که مریم را تنها گذاشته. چشمش به مریم افتاد. او مشغول راز و نیاز با خداوند بود. نمی‌خواست مزاحم او شود. سلامی گفت و پیش از این که مریم حرفی بزند، با حسرت گفت: «خوشا به حالت مریم.»

زکریا درحالی که بار و بنه‌اش را پیش مریم می‌گذاشت و در فکر بود که چگونه از این چند روز غفلت و فراموشی عذرخواهی کند، چشمش به سینی بزرگی افتاد که پر از خوراکی‌های گوناگون بود. با خودش اندیشید که آیا کسی بر من پیش‌دستی کرده؟ آیا خود مریم از صومعه خارج شده؟ چقدر میوه‌ها و خوراکی‌های خوب و رنگارنگ!

پس برای این که چیزی گفته باشد، با نگرانی و تردید پرسید: مریم عزیز، مگر تو از صومعه خارج می‌شوی؟ آیا خودت... مریم نگاه مهربانانه‌ای به زکریا انداخت و گفت: «نه». زکریا پیش از پیش متعجب شد. پس چه کسی این سینی پر از خوراکی را برای مریم آورده؟ او که کسی را ندارد؟ چه کسی از عبادت تنهایی او باخبر است؟

مریم می‌دانست که زکریا حیران و سرگردان است. پس به آرامی گفت: «خدای من بسی مهربان است. آیا باور نداری که او پروردگار جهانیان است و بندگانش را از روزی خود سیراب می‌سازد؟» زکریا هم چنان در فکر بود و چیزی نمی‌گفت. مریم کلامی دیگر گفت و سکوت کرد: «این، هدیه‌ی خداوند است.»

و مریم این چنین زندگی کرد و سال‌ها بعد، عیسی را به دنیا آورد و عیسی پیامبر خدا شد ولی هم چنان، با نام مادرش شناخته می‌شد؛ عیسی بن مریم!

۵- معلم با ارائه‌ی این راهنمایی، از دانش‌آموزان می‌خواهد مفهوم فعل‌های دارای علامت «ین» را بیان کنند و تفاوت آن را با فعل‌هایی که بدون آن علامت هستند، معرفی نمایند:

□ خطاب‌های این داستان، دو گونه است:

۱- خطاب همسر زکریا به زکریا.

۲- خطاب زکریا به مریم.

دانش‌آموزان با استفاده از این راهنمایی، به سؤال یاد شده پاسخ می‌دهند و نهایتاً این توضیح

ارائه می‌شود:

□ در این داستان، فعل‌های مضارع به صورت مخاطب به کار رفته‌اند.

□ مخاطب‌ها فقط یک نفر هستند. زکریا، مریم

□ فعل‌هایی که خطاب به مریم بیان شده، دارای علامت «ین» است.

□ هر دو نوع فعل مخاطب، با علامت «ت» شروع شده‌اند:

○ خطاب به زکریا: متی تذهب؟

○ خطاب به مریم: ماذا تفعلین؟

هل تقدیرین؟

هل تخرجین؟

پس معلم تصریح می‌کند:

○ صیغه‌ی مضارع مخاطب مفرد مذکر، همانند صیغه‌ی غایب مفرد مؤنث است.

○ صیغه‌ی مضارع مخاطب مفرد مؤنث، دارای علامت «ین» است.

۶- یک بار دیگر صیغه‌های مذکر و مؤنث مخاطب - که در متن درس به کار رفته‌اند - مورد بررسی قرار می‌گیرند. بدین منظور، معلم با ذکر ریشه‌ی هریک از فعل‌ها، از دانش‌آموزان می‌خواهد صیغه‌های مخاطب مفرد مذکر و مؤنث را بسازند. مثلاً معلم می‌گوید:

«حَرَجَ»، دانش‌آموزان پاسخ می‌دهند: تخرج، تخرجین

«قَدَرَ»، دانش‌آموزان پاسخ می‌دهند: تقدیر، تقدیرین

و این اقدام، علاوه بر فعل‌های مندرج در متن درس، در ارتباط با سایر ریشه‌هایی که برای دانش‌آموزان شناخته شده است نیز مورد تمرین قرار می‌گیرد.

متن خوانی

هریک از بخش‌های داستان «طوبی لک» دارای پیام‌ها و احساس‌های گوناگون و متفاوت است. معلم محترم در حین قرائت خود و نیز قرائت دانش‌آموزان نباید از این مهم غفلت کند که:

«هر جمله باید با حالت و فضای خاص حاکم بر آن قرائت شود.» برای مثال:

○ هي وحيدة... جائعة (مقطع و سرزنش‌کننده)

○ آه... نعم... متی تذهب (مهربانانه و حمایت‌گرانه)

○ ماذا تفعلين؟ (استفهامی و دلسوزانه)

○ المجتمع فاسد (خشمگینانه)

○ وصل زکریا، إلى الصومعه (خبری و روایی)

○ إن ربی رحیم (آرام و با کشش)

۷- متن درس، قرائت و ترجمه می‌شود. قرائت متن درس، می‌بایست با همان حس و حالتی باشد که در جملات و عبارات داستان وجود دارد. باید توجه داشت که عبارات مقطع و فشرده‌ی متن، برخی از زیبایی‌های داستان را از خود زدوده است. لذا نباید با قرائت‌های ساده و بی‌احساس، بقیه‌ی زیبایی‌های داستان - که موجب کشش و جاذبه‌ی آن می‌شود - نیز پایمال شود.

پس از قرائت متن، نوبت به ترجمه‌ی آن می‌رسد. در این درس، استثنائاً به دلیل حجم کلمات و ترکیب‌های تازه، ترجمه توسط معلم محترم صورت می‌گیرد. اما هم‌چنان بر اساس سیاست حاکم بر این کتاب، هر جا دانش‌آموزان می‌توانند معنای جمله‌ای را حدس بزنند، بهتر است ترجمه‌ی آن به دانش‌آموزان واگذار شود.

۸- ماجرای «نقش‌ها و نقاش‌ها» به‌عنوان تدریس مستقیم و نهایی قواعد آموزشی این درس، توسط معلم روایت می‌شود. در این ماجرا از آن‌جا که دانش‌آموزان یک‌بار دیگر با کار نقاشان زبردست آشنا شده‌اند و در خلال مراحل قبل قواعد این درس معرفی و تبیین شده است، یادگیری این موضوع برای آنان ساده و سهل می‌نماید. لذا معلم می‌تواند ضمن بیان آن‌چه در این ماجرا ذکر شده است، هر جا که نقش کلاه آبی‌ها و کلاه سبزها پیش می‌آید، از دانش‌آموزان بپرسد که کدام یک از آنان قدم پیش می‌گذارند و چه کاری می‌کنند؟

۹- با توجه به این که ضمائر «أنت» و «أنتِ» در متن درس به کار رفته است و دانش‌آموزان نیز دارای آشنایی قبلی با این ضمائر می‌باشند، معلم ضمن یادآوری اطلاعات پیشین، از سویی مطالب مربوط به «ضمیر» را عیناً از روی کتاب می‌خواند و از سوی دیگر با ذکر مواردی که این دو ضمیر در

متن درس به کار رفته‌اند، آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند تا دانش‌آموزان بدانند چرا این ضمیرها به کار رفته‌اند؟

تمرین در کلاس



برای تعمیق یادگیری دانش‌آموزان، این تمرین در کلاس انجام می‌شود:

□ اجرای مسابقه‌ی سرعت. برای اجرای این مسابقه، یک نفر به‌عنوان داور، کارت‌های حاوی ریشه‌های افعال را به‌ترتیب روی تصویر دختر یا پسر می‌گذارد و از شرکت‌کننده‌ی مسابقه می‌خواهد خیلی سریع، ضمن ساختن صیغه‌ی مناسب (مخاطب مفرد)، ضمیر آن را نیز بیان کند. مثلاً:

ریشه‌ی «أخذ» روی عکس دختر قرار می‌گیرد و شرکت‌کننده فوراً می‌گوید: «أنتِ تأخذين». چنان‌چه فرد شرکت‌کننده اشتباه کند و یا در اظهارنظر تأخیر داشته باشد، از دور مسابقه حذف می‌شود. ضمناً چنان‌چه داور مورد صحیحی را غلط بیندارد یا مورد غلطی را صحیح قلمداد کند، جای خود را به دیگری می‌دهد. در این مسابقه هرکس بیش‌ترین تعداد جواب‌های درست را بدهد، برنده است.

□ معلم تصویر یک دختر یا یک پسر را به دانش‌آموزان نشان می‌دهد. سپس یک ریشه‌ی فعل را بیان می‌کند. دانش‌آموزان به‌طور گروهی و دسته‌جمعی صیغه‌ی مضارع مخاطب مفرد مذکر یا مؤنث را متناسب با آن تصویر و براساس ریشه‌ی ارائه شده، بیان می‌کنند.

تمرین در خانه



- ۱- قرائت متن درس به‌منظور آمادگی برای اجرای نمایش آن در کلاس.
- ۲- قرائت بخش قواعد برای آمادگی انجام تمرینات کتاب
- ۳- انجام تمرینات درس
- ۴- تحقیق در قرآن کریم به‌منظور یافتن آیاتی از قرآن که حاوی همین داستان هستند.
- ۵- بررسی آیات قرآن کریم برای پاسخ‌گویی به سؤالات بخش «الدراسات القرآنیة».

اهداف تمرین‌ها

- در «التمرین الاول»: ۱- احاطه نسبت به متن درس
- ۲- آشنایی با نمونه‌هایی از نحوه‌ی پرسش و پاسخ
- در «التمرین الثاني»: ۳- تشخیص مفهوم هریک از صیغه‌های افعال مضارع
- در «التمرین الثالث»: ۴- توانایی در تبدیل صیغه‌های مذکر و مؤنث در فعل مخاطب
مفرد
- در «التمرین الرابع»: ۵- تشخیص دلیل نادرستی افعال، با توجه به قرینه‌های موجود
- در «التمرین الخامس»: ۶- توانایی در ترجمه از فارسی به عربی، با تأکید بر صیغه‌های
مخاطب مفرد
- در «التمرین السادس»: ۷- تشخیص صیغه‌ی مناسب، با توجه به قرائن موجود

اهداف کلی

- ۱- آشنایی با جمله‌هایی که دارای فعل مضارع مخاطب هستند.
- ۲- ترجمه و فهم عبارت‌های ساده همراه با فعل ماضی و مضارع
- ۳- آشنایی با چهار صیغه‌ی مثنی و جمع مضارع مخاطب

هدف‌های رفتاری: دانش‌آموز باید در پایان این درس بتواند:

- ۱- جمله‌های ساده‌ی همراه با فعل ماضی و مضارع را به فارسی روان ترجمه کند.
- ۲- مفهوم فعل مضارع مخاطب را درک کند.
- ۳- با ریشه‌ی فعل، صیغه‌های مثنی و جمع مضارع مخاطب بسازد.
- ۴- علامت صیغه‌های مثنی و جمع مضارع مخاطب را بشناسد.
- ۵- برای صیغه‌های مثنی و جمع مخاطب مضارع، ضمایر متناسب با آن‌ها را به کار ببرد.

تحلیل درس

واژگان

ویژگی‌های واژگانی متن این درس عبارتند از:

- ۱- قرآنی بودن اغلب واژه‌ها و ساختار عبارات
- ۲- استفاده‌ی فعال از واژگان محوری درس (ضمایر و افعال مضارع مخاطب مثنی و جمع مذکر و مؤنث) و توانایی ضمایر و افعال مربوط، برای تقویت یادگیری

أَتْمَا تَجْعَلَانِ - مَنْ أُنْتَمَا - تَفْعَلَانِ - تَقْتُلُونِ - أَنتُمْ تَحْفَظُونَ - أَنتُنَّ مَسْؤُولَاتٌ -
تَطْلُبِينَ - أَنتُنَّ تَقْدِرْنَ

۳- متناسب‌سازی واژگان جدید با واژگان یا ترکیب‌های پیش‌آموخته؛ به نحوی که قریب به اتفاق واژگان پیش‌آموخته‌ی این درس، از جمله‌ی پراستعمال‌ترین واژه‌ها و موردنیازترین واژه‌ها در ادبیات قرآنی و روایی هستند.

محتوی

محتوای این درس، مبتنی بر داستان حضرت موسی است. این داستان به دلیل پیش‌آگاهی دانش‌آموزان در قالب روایت عربی آن نیز می‌تواند از جذابیت لازم برخوردار باشد.

قواعد

صیغه‌های محوری این درس و ضمایر مربوط به آن‌ها در سه گروه جداگانه ارائه شده‌اند:

- خطاب نگهبان به مادر و خواهر موسی (مثنی)
- خطاب فرعون و همسرش به یکدیگر، به عنوان دو جمع جداگانه (جمع مذکر)
- خطاب همسر فرعون به زنان قصر (جمع مؤنث)

بدین ترتیب نشانه‌های هریک از صیغه‌های یاد شده در قالب فعل‌هایی که در ضمن عبارات متن به کار رفته‌اند، ارائه می‌شود:

- «أَتْمَا» و «ان» برای مخاطب مثنی
- «أُنْتُمْ» و «ون» برای جمع مذکر
- «أُنْتُنَّ» و «تن» برای جمع مؤنث

تدریس

زمینه

دانش‌آموزان باید نشانه‌های صیغه‌های غایب مثنی و جمع را به یاد داشته باشند، زیرا در صیغه‌های مخاطب نیز عیناً همان نشانه‌ها به کار می‌روند و تنها ویژگی صیغه‌های مخاطب این است که

از میان علایم چهارگانه‌ی فعل‌های مضارع (ا - ت - ی - ن) فقط دارای علامت «ت» هستند.

وسایل کمک آموزشی

- ۱- کارت‌های حاوی ریشه‌های افعال سه‌حرفی
- ۲- کارت‌های «ان»، «ون» و «ن»
- ۳- تصویر یا مجسمه‌ی گروه‌های دونفره و چندنفره‌ی دختران و پسران
- ۴- یک کلاه آبی
- ۵- یک کلاه سبز

مراحل تدریس

۱- حرف «ت» به‌عنوان علامت فعل‌های مضارع مخاطب روی تخته‌ی کلاس نوشته می‌شود و تأکید می‌شود:

کلّیه‌ی فعل‌های مضارع مخاطب دارای علامت «ت» هستند.

سپس علامت‌های صیغه‌های مثنی و جمع یعنی: «ان»، «ون» و «ن» برای دانش‌آموزان یادآوری می‌شود و تأکید به‌عمل می‌آید:

در فعل‌های مضارع غایب و مخاطب،

«ان» علامت مثنی است.

«ون» علامت جمع مذکر است.

«ن» علامت جمع مؤنث است.

۲- دانش‌آموزان در متن درس به جستجو می‌پردازند تا به این سؤالات پاسخ دهند:

در این متن، چند نوع فعل وجود دارد که با علامت «ت» شروع شده‌اند؟

هریک از فعل‌ها با چه ضمیری به‌کار رفته‌اند؟

فعل‌هایی که دارای علامت صیغه‌ی مشابه هستند، کدامند و از چه ریشه‌ای ساخته شده‌اند؟

حاصل بررسی دانش‌آموزان، اطلاعاتی خواهد بود که بدین‌شکل روی تخته نوشته می‌شود:

□ فعل‌های دارای علامت «ت» :

تَجَعَّلَانِ / تَفَعَّلَانِ

تَحْفَظُونَ

تَطَّلِبْنَ / تَقْدِرْنَ

□ صیغه‌های دارای علامت «ان» با ضمیر «أنتما» به کار رفته‌اند.

صیغه‌های دارای علامت «ون» با ضمیر «أنتم» به کار رفته‌اند.

صیغه‌های دارای علامت «ن» با ضمیر «أنَّه» به کار رفته‌اند.

□ صیغه‌های مثنی: تَجَعَّلَانِ و تَفَعَّلَانِ (از ریشه‌ی جَعَلَ و فَعَلَ)

صیغه جمع مذکر: تَحْفَظُونَ (از ریشه‌ی حَفَظَ)

صیغه‌های جمع مؤنث: تَطَّلِبْنَ و تَقْدِرْنَ (از ریشه‌ی طَلَبَ و قَدَرَ)

۳- برای آشنایی بیش‌تر دانش‌آموزان با صیغه‌ی مثنی، این سؤال توسط معلم مطرح می‌شود:

* صیغه‌هایی مانند «تَجَعَّلَانِ» و «تَفَعَّلَانِ» در فعل‌های مضارع غایب هم وجود دارند. با توجه

به این‌که موضوع این درس، فعل‌های مخاطب است، این شباهت چگونه توصیه می‌شود؟

* در فعل‌های غایب، علامت صیغه‌های مثنای مذکر و مؤنث مشابه هستند. در این درس،

صیغه‌های «تَجَعَّلَانِ» و «تَفَعَّلَانِ» مذکر هستند یا مؤنث؟

در این‌جا دانش‌آموزان مجال مجددی می‌یابند تا با بررسی متن درس، به این سؤالات پاسخ دهند. شاید دانش‌آموزان بتوانند با استفاده از برخی شواهد موجود در درس به این سؤالات پاسخ دهند. اما پاسخ‌نهایی و قطعی به خواندن و شنیدن داستان «مؤمنه‌ی خاندان فرعون» موکول می‌شود.

۴- داستان «مؤمنه‌ی خاندان فرعون» که برگرفته از قصص قرآنی و روایات است، حاوی

گوشه‌هایی از زندگی حضرت موسی (ع) است و به دلیل محدودیت‌های کتاب درسی، به‌گونه‌ای مجمل و گذرا مطرح گردیده و چه بسا برخی از زیبایی‌ها و جذایب‌های داستانی این حکایت آسمانی در لابه‌لای عبارات ساده و محدود یک متن درسی جای نگیرد.

از این‌رو، برای احاطه‌ی دانش‌آموزان بر اصل حکایت و تطبیق عبارات به کار رفته در متن

درس با بخش‌های گوناگون داستان، لازم است این داستان پیش از تدریس متن درس با بیانی داستان‌گونه برای دانش‌آموزان روایت شود. داستان از این‌جا قرار است:

ستاره‌شناسان به فرعون گفته بودند یکی از کودکان این دوره و زمانه در سنین جوانی و بزرگسالی علیه فرعون طغیان می‌کند و او را از تخت پادشاهی فرود می‌آورد. فرعون که پادشاهی مستبد و بسیار خودخواه بود، از این پیشگویی به وحشت افتاد و فرمان داد که نوزادان پسر به قتل برسند. جارچیان در کوچه و بازار راه افتادند و اعلام کردند که :

«توجه، توجه، ای مردم، ای بنی اسرائیل، هیچ پسری نباید متولد شود؛ نوزادان پسر را زنده نگذارید؛ این فرمان فرعون است. هرکسی که نوزاد پسرش را مخفیانه زنده بگذارد، مجازات می‌شود.»

طرفداران فرعون خانه‌ها را جستجو می‌کردند و پسران را به قتل می‌رساندند تا حکومت فرعون در امان بماند.



روزی از روزها، در یکی از خانه‌هایی که اهالی آن به خدا ایمان داشتند و از ستم فرعون ناراضی بودند، پسری به دنیا آمد. ولادت این نوزاد از چشم طرفداران فرعون پنهان ماند اما مادر نگران فرزندش بود. مادر درحالی که نوزادش را در آغوش گرفته بود، او را بوسید و گفت: «آه... عزیزم... آن‌ها تو را می‌کشند... چه کنم؟! دختر او که جوانی با ایمان و خداپرست بود، مادرش را دلداری داد ولی او هم نگران و آشفته بود. او نگاهی به اشک‌های مادرش کرد، بوسه‌ای بر گونه‌ی برادر کوچکش نشاناند و آرام گفت: «چاره چیست، مادر؟» مادر در فکر بود. مدتی گذشت. چیزی به ذهنش رسیده بود. شوهرش را صدا زد. شوهر به جمع مادر و دختر پیوست. همه به نوزاد چشم دوخته بودند و گوش به سخنان زن سپرده بودند.

زن گفت: «نوزادم را در سبیدی بگذارید، روی آن را با علف و سبزه بیوشانید و در رود نیل رهایش کنید. شاید این‌طور زنده بماند. می‌ترسم دست‌نشانگان فرعون از ولادت فرزندم بو برده باشند و خون او را بریزند.»

دختر با حیرت و تعجب مخالفت کرد و گفت: «نه، او می‌میرد. گرسنگی و تشنگی او را از پای درمی‌آورد.»

مادر پاسخ داد: «چاره‌ای نیست. خدا بزرگ است. فرزندم را سیراب کرده‌ام و با شیر، سیرش کرده‌ام.»

بالاخره پدر و دختر راضی شدند. نوزاد را در سبدی گذاشتند. روی آن را با سبزه و علف و میوه پوشاندند و به طرف رود به راه افتادند. مادر با چشمانی اشکبار آن‌ها را بدرقه کرد و نوزادش را به خدا سپرد.

در راه، یکی از مأموران فرعون آن‌ها را دید و به سبد مشکوک شد. او حدس زد که ممکن است نیرنگی در کار باشد. آن‌ها را متوقف کرد و به بازجویی

پرداخت:

— شما چه کسی هستید، چه می‌کنید و کجا می‌روید؟

— ما پدر و فرزند هستیم. به طرف رود می‌رویم.

— این چیست که در دست دارید؟ در آن چه پنهان کرده‌اید؟

— هیچ بینید؛ قدری میوه است...

مرد نگهبان نگاهی به سبد انداخت. مقداری میوه لابه‌لای علف‌ها و سبزه‌ها بود. آن‌ها را جابه‌جا کرد و چیزی دیگر ندید. پس اجازه‌ی عبور داد.

پدر و دختر، سراسیمه و شتابان به طرف رود حرکت کردند. هنوز قلبشان به شدت می‌زد. از وقتی که مرد نگهبان جلوییشان را گرفته بود، هیجان‌زده و مضطرب بودند. بالاخره به رود رسیدند.

پدر و دختر علف‌ها و سبزه‌ها و میوه‌ها را از روی نوزاد برداشتند و مهربانانه بر گونه‌ی او بوسه زدند و سپس آرام، سبد را در دل آب رها کردند. تا وقتی که سبد روی آب شناور بود و آن‌ها سبد را می‌دیدند، از آن چشم‌پرنداشتند.

* * *

یک روز گذشت و سبد روی آب شناور بود و همراه جریان آب می‌رفت. مسیر رود از کنار کلاخ فرعون می‌گذشت. سبد کم‌کم به نزدیکی قصر فرعون رسید. اتفاقاً آن روز فرعون و همسرش در ساحل رود نشسته بودند و به جریان آب نگاه می‌کردند. چشمشان به سبد افتاد:

— مثل این که چیزی روی آب است.

— آری... آری... یک سبد است... گویا داخل آن کودکی قرار دارد... عجیب

است...

آن‌ها تصمیم گرفتند سبد را از آب بگیرند. فرعون دستور داد و مأموران فوراً

سبید را نزد او آوردند.

آسیه - همسر فرعون - فرزند نداشت و از بی‌فرزندگی رنج می‌برد. او همیشه آرزوی داشتن فرزند داشت؛ اما محروم مانده بود. آسیه با مهربانی به نوزاد نگاه کرد و او را در آغوش کشید. او گمان می‌کرد که این فرزند، هدیه‌ای الهی است که نصیب او شده است. آسیه زن مؤمنی بود که ایمانش را از فرعون مخفی نگه داشته بود. برای همین به نظرش آمد که خداوند بدین طریق پاداشی به او داده است.

فرعون وقتی عشق و محبت این نوزاد پسر را در چهره‌ی همسرش دید، فریاد

کشید:

«عجیب است... این پسر سر از قصر ما بیرون آورده است... باید کشته شود.»

آسیه پریشان و آشفته بود. او دل از کودک نمی‌گند. با خواهش و التماس روبه

شوهرش کرد و گفت:

- چطور دلتان می‌آید این کودک را بکشید! این کودک نور چشم من است...

- نه... نه... شما می‌خواهید این پسر را نگهداری کنید. و این خلاف فرمان

ماست.

- سرورم، تمنّا می‌کنم. بگذارید این کودک زیبا را خودمان نگهداری کنیم. او

برای ما پسری خواهد شد و خانه‌مان را روشن خواهد کرد. من آرزوی فرزند داشتم و

حالا چنین کودک زیبایی نصیب من شده است.

بالاخره فرعون رضایت داد که همسرش کودک را نگهداری کند.

آسیه شادمان و راضی به نظر می‌رسید. زنان قصر را دعوت کرد و به آنان دستور

داد که مراقبت از کودک را برعهده بگیرند و او را با صحت و سلامتی و تمام بزرگ

کنند. اما کودک گرسنه بود و غذا می‌خواست کودک گریه می‌کرد. دایه‌ها به او شیر

دادند اما نوزاد شیر آنان را نخورد. زن‌ها پریشان و حیران مانده بودند.

در میان زنان خدمتکار قصر فرعون، خواهر آن نوزاد نیز یک خدمتکار بود. او

با دیدن برادر کوچکش از خوش‌حالی در پوست نمی‌گنجید؛ اما خوشحالی‌اش را

ابراز نکرد. او وقتی آسیه را پریشان و مضطرب دید، از زنان پرسید: «آیا کمک

می‌خواهید؟» زنان از لحن او استقبال کردند و همگی گفتند: «آری». دختر گفت: «در

نزدیکی قصر خانواده‌ای پاکدامن زندگی می‌کند. به آن‌ها رجوع کنید و کمک بخواهید.» آن خانواده، کسی نبود جز خانواده‌ی همان نوزاد. زن‌های قصر سراغ آن خانواده رفتند و زن را برای دایگی نوزاد، به قصر فراخواندند. زن آمد و نوزاد را در آغوش کشید. کودک بوی مادر را می‌شناخت. در آغوش او آرام گرفت. شیر نوشید و لحظه‌ای بعد به خواب عمیق فرورفت.

آسیه از این ماجرا بسیار خوش حال بود و خیالش بابت نوزاد راحت شده بود. قرار شد آن زن هر روز به قصر بیاید و از نوزاد نگهداری کند. نوزاد رها شده در رود، بار دیگر به دامان مادرش بازگشت و مادر پریشان و افسرده، فرزندش را هر روز در آغوش می‌کشید و او را پرورش می‌داد. اما هیچ کس از این راز مطلع نشد.

کودک روز به روز بزرگ‌تر می‌شد و آسیه هر روز راضی‌تر به نظر می‌رسید. مادر نوزاد نیز آرزویی جز این نداشت که هر روز فرزندش را ببیند.

کودک – که موسی نام گرفته بود – در قصر فرعون بزرگ شد و در دامان زنی مؤمن همچون آسیه و در آغوش مادری مهربان پرورش یافت و سرانجام رسالت الهی را بر دوش گرفت و به عنوان پیامبر خدا به نبرد با فرعون برخاست.

۵- معلم درباره‌ی انواع فعل‌های به‌کار رفته در متن درس به چند نکته اشاره می‌کند: کسانی که در این داستان به‌گونه‌ای مورد خطاب قرار گرفته‌اند و درباره‌ی آنان فعل‌هایی به‌کار رفته است از این قرارند:

□ خطاب مادر نوزاد به همسر و دخترش

□ خطاب نگهبان به مرد و دخترش

□ خطاب آسیه به فرعون و مردانش

□ خطاب دختر به آسیه و زنان قصر

سپس معلم این سؤال را مطرح می‌نماید:

درباره‌ی هریک از مخاطبان چهارگانه، چه فعل‌هایی در متن درس به‌کار رفته است؟ دانش‌آموزان با بررسی متن درس، پاسخ‌های لازم را به‌دست می‌آورند و نهایتاً این مطالب روی

تخته نوشته می‌شود:

تَجَعَّلَانِ (فعل مضارع مثنی)	در خطاب مادر نوزاد به همسر و دخترش :
تَفَعَّلَانِ (فعل مضارع مثنی)	در خطاب نگهبان به مرد و دخترش :
تَحْفَظُونَ (فعل مضارع جمع مذکر)	در خطاب آسیه به فرعون و مردانش :
تَطَلَّبْنَ (فعل مضارع جمع مؤنث)	در خطاب دختر به آسیه و زنان قصر :
تَقَدَّرْنَ (فعل مضارع جمع مؤنث)	

۶- معّلم با توجه به نکاتی که در فعالیت قبل روی تخته‌ی کلاس نوشته شده است، این سؤال را مطرح می‌کند :

* نشانه‌ی مخاطب بودن این افعال چیست؟

* نشانه‌ی فعل‌های مضارع مخاطب مثنی چیست؟

* نشانه‌ی فعل‌های مضارع مخاطب جمع مذکر چیست؟

* نشانه‌ی فعل‌های مضارع مخاطب جمع مؤنث چیست؟

۷- یک بار دیگر صیغه‌های به کار رفته در متن درس مورد توجه قرار می‌گیرند و معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد با ریشه‌ی هر یک از آن‌ها، انواع صیغه‌های مضارع مخاطب را بسازند. بدین منظور، جدول زیر روی تخته‌ی کلاس کشیده می‌شود و دانش‌آموزان، یکایک مسؤولیت یافتن و نوشته‌ی صیغه‌های گوناگون مربوط به هریک از ریشه‌ها را برعهده می‌گیرند :

جَعَلَ	فَعَلَ	حَفِظَ	طَلَبَ	قَدَرَ	صیغه‌های مضارع مخاطب
مفرد مذکر					
مفرد مؤنث					
مثنای مذکر					
مثنای مؤنث					
جمع مذکر					
جمع مؤنث					

۸- با توجه به مراحل گذشته، دانش‌آموزان عملاً با بخش‌هایی از متن درس آشنا شده‌اند و حالا که نوبت به قرائت و ترجمه‌ی متن درس رسیده است در این زمینه آمادگی لازم را به دست

آورده‌اند.

متن خوانی

عبارت‌های گوناگون «مؤمنه‌ی آل فرعون»، حاوی پیام‌ها و احساس‌های بسیار متفاوتی است که قرائت ساده و بی‌احساس آن‌ها، روح و مفهوم عبارات را به دانش‌آموزان منتقل نمی‌کند. معلم محترم درحین قرائت داستان، باید به این تفاوت آشکار توجه نماید و هر جمله را در همان فضای احساسی قرائت نماید.

برای مثال:

○ أيتها الناس... يا بني إسرائيل...
(هشداردهنده)

○ أَمَرَ بِقَتْلِ كُلِّ مَوْلِدٍ (خبری)
○ آه... ولدی العزیز... (عاطفی،
مهربانانه)

○ ما هي الحيلة؟ (پرسشی، تعجبی)
○ فالله خير الحافظين (امیدوارانه)
○ من أتمنا؟ ماذا تفعلان؟ (پرسشی،
آمرانه)

○ لا شيء... هذه فاكهة (انکاری)
○ كأنَّ عَلَى الماء شيئاً (خبری،
تعجبی)

○ فلا بدَّ مِنْ قَتْلِهِ (آمرانه، خشمگینانه)
○ سیدی، ولكن، هذا طفلٌ جميل
(ملتمسانه)

○ هذا مولودٌ... يطلبُ أمَّهُ...
(خبری، عاطفی)

هم‌چنان که بیان داستان مشروح و مبسوط «مؤمنه‌ی خاندان فرعون» می‌بایست با استفاده از شیوه‌های کلامی و گفتاری روایت داستان بهره‌مند باشد، قرائت متن عربی آن نیز باید از همان شیوه‌ها تبعیت کند. اساساً فهم و درک درست این داستان، مستلزم این است که عبارات آن با همان احساس و فضایی که به هریک از عبارات حاکم است، قرائت شوند.

بر این اساس، متن درس یک بار توسط معلم قرائت می‌شود و سپس دانش‌آموزان با الگوگیری از معلم به قرائت صحیح آن می‌پردازند و بدیهی است که معلم علاوه بر مراقبت نسبت به صحیح‌خوانی دانش‌آموزان، چگونگی القای احساس هر عبارت در کلام آنان را نیز مورد مراقبت قرار می‌دهد.

پس از متن خوانی، نوبت به ترجمه‌ی متن می‌رسد. همان‌گونه که سیاست کلی این کتاب است، ترجمه‌ی متن‌ها حتی‌المقدور توسط دانش‌آموزان صورت می‌گیرد؛ مگر در مواردی که کلمات جدید آن‌چنان پی‌درپی باشند که فهم عبارت را دچار مشکل کنند.

متن درس «مؤمنه‌ی آل فرعون» به‌گونه‌ای است که تنها با راهنمایی معلم درباره‌ی کلمات جدید، اغلب عبارات آن توسط دانش‌آموزان قابل ترجمه است. بدین منظور، یکایک دانش‌آموزان می‌توانند به نوبت یکی از عبارات را ترجمه کنند و سپس با تأیید نهایی معلم، ترجمه‌ی کامل متن

درس به دانش‌آموزان تفهیم می‌شود.

۹- اینک با مباحث پراکنده‌ای که درباره‌ی صیغه‌های مثنی و جمع مخاطب صورت گرفته است، نوبت به جمع‌بندی نهایی از این مباحث می‌رسد و این جمع‌بندی، در بخش «حدیث‌ها و تندیس‌ها» صورت می‌گیرد.

«شهر تماشا» حاوی ماجراهای گوناگونی است که طیّ هر یک از آن‌ها یکی از مباحث قواعد عربی مطرح می‌شود. لذا معلم یک بار ماجرای شهر تماشا را با بیانی روایتگرانه برای دانش‌آموزان بازگو می‌کند و ضمن شرح ماجرا، توجه آنان را به نکات اصلی قواعد عربی مطرح شده در آن جلب می‌نماید و سپس از دانش‌آموزان می‌خواهد که خود آن متن را بخوانند و با به‌خاطر سپردن ماجرا، به قواعد عربی درج شده در آن، توجه کنند.

ماجرای «حدیث‌ها و تندیس‌ها»، مسابقه‌ای است که با شرکت تعدادی از دانش‌آموزان در «شهر تماشا» صورت گرفته است. معلم این ماجرا را به‌طور مبسوط بیان می‌کند و دانش‌آموزان با بهره‌گیری از اطلاعاتی که طیّ مراحل قبل فرا گرفته‌اند، به نکات قواعدی آن پی می‌برند. در این مسابقه، حرف «ت» به‌عنوان علامت اصلی فعل‌های مضارع مخاطب، قبل از ریشه‌ی فعل قرار می‌گیرد و سپس علامت‌های صیغه‌های مثنی و جمع مذکر و مؤنث پس از ریشه‌ها قرار می‌گیرند.

برای تفهیم ماجرای «حدیث‌ها و تندیس‌ها» معلم می‌تواند ضمن بیان چگونگی مسابقه، از مشارکت دانش‌آموزان برای تعیین علامت‌های گوناگون صیغه‌های موردنظر استفاده کند. پس از این که شرح ماجرا «حدیث‌ها و تندیس‌ها» پایان یافت، دانش‌آموزان به قرائت و مطالعه‌ی ماجرا از روی کتاب می‌پردازند و به سؤالاتی از این قبیل که از سوی معلم مطرح می‌شود، پاسخ می‌گویند:

- علامت فعل‌های مضارع مخاطب چیست؟
- «ان» برای فعل‌های مذکر به‌کار می‌رود یا مؤنث؟
- علامت فعل مضارع مخاطب جمع مذکر چیست؟
- علامت فعل مضارع مخاطب جمع مؤنث چیست؟

□ ضمایر مفرد، مثنی و جمع مخاطب کدامند؟

۱۰- با توجه به این که در متن درس ضمایر «أنتما»، «أنتم» و «أنتن» به کار رفته است، می‌بایست به مفهوم این ضمایر و ارتباط آن‌ها با فعل‌های مخاطب توجه ویژه نماید و چگونگی استفاده از این ضمایر برای فعل‌های ماضی و مضارع مخاطب را برای دانش‌آموزان مطرح نماید.

تمرین در کلاس



برای تعمیق یادگیری دانش‌آموزان در زمینه‌ی متن درس و قواعد جدید مطرح شده در این درس، این تمرین‌ها در کلاس انجام می‌شود:

۱- اجرای مسابقه‌ی سرعت. برای اجرای این مسابقه، یک نفر به‌عنوان داور کارت‌های حاوی ریشه‌های افعال را به‌ترتیب روی تصاویر دوتایی و چندتایی دختران و پسران قرار می‌دهد و از شرکت‌کنندگان در مسابقه می‌خواهد خیلی سریع ضمن ساختن صیغه‌ی مناسب (مخاطب مثنی یا مخاطب جمع مذکر یا مخاطب جمع مؤنث)، ضمیر مناسب آن را نیز بیان کند. مثلاً:

ریشه‌ی «جَلَسَ» روی تصویر دوتایی دختران قرار می‌گیرد و شرکت‌کننده فوراً می‌گوید:

«أنتما جَلَسْتُمَا»

چنان‌چه فرد شرکت‌کننده اشتباه کند و یا در اظهار نظر تأخیر داشته باشد، از دور مسابقه حذف می‌شود. در این مسابقه هریک از شرکت‌کنندگانی که بیش‌ترین تعداد پاسخ‌های درست را ارائه نمایند، به‌عنوان برنده‌ی مسابقه تعیین می‌شوند.

۲- یک نفر از دانش‌آموزان به‌عنوان «راهنما»، یک کارت ریشه‌ی فعل را در مقابل سایر دانش‌آموزان نگه می‌دارد و سپس یکی از ضمایر مخاطب را بیان می‌کند. آنان می‌بایست فوراً صیغه‌ی مناسب با آن ضمیر را بسازند و به‌طور دسته‌جمعی بیان کنند. مثلاً:

کارت «فَتَحَ» در مقابل دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و ضمیر «أنتن» بیان می‌شود. دانش‌آموزان صیغه‌ی «فَتَحْتُنَّ» را دسته‌جمعی بیان می‌کنند.

معلم، چگونگی اجرای این تمرین را نظارت می‌کند و موارد اشتباه را به دانش‌آموزان گوشزد می‌نماید.

۳- دو نفر کلاه سبز بر سر می‌گذارند و هریک از آنان علامت «ب» و «ت» را در دست می‌گیرند. چهار نفر دیگر کلاه آبی به‌سر می‌گذارند و علامت‌های چهارگانه‌ی صیغه‌های مضارع را در اختیار می‌گیرند.

معلم یک ریشه‌ی فعل روی تخته می‌نویسد و سپس ویژگی یکی از صیغه‌های غایب یا مخاطب مضارع را بیان می‌کند. (مثلاً: فعل غایب مفرد مؤنث) سپس از کلاه آبی‌ها و کلاه سبزها می‌خواهد فوراً صیغه‌ی موردنظر را بسازند. در این صورت یکی از کلاه سبزها که علامت «ی» را در اختیار دارد، آن را قبل از ریشه قرار می‌دهد و یکی از کلاه آبی‌ها که علامت «ین» را در اختیار دارد، آن را پس از ریشه قرار می‌دهد و بدین‌شکل صیغه‌ی موردنظر ساخته می‌شود. آن‌گاه معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد دسته‌جمعی آن صیغه را بخوانند.

این تمرین با ریشه‌های گوناگون و ساختن صیغه‌های متعدد غایب و مخاطب قابل اجراست و طی آن، دانش‌آموزان با حضور ذهن بیش‌تری به تفاوت صیغه‌های غایب و مخاطب پی می‌برند.

۴- دو نفر کلاه سبز که علامت‌های «ی» و «ت» را در اختیار دارند، آماده‌ی پاسخ‌گویی به‌سؤالات معلم می‌شوند.

معلم یکی از ضمائر غایب یا مخاطب را برمی‌گزیند و آن را بیان می‌کند. مثلاً می‌گوید: «انتُم». از آن‌جا که این ضمیر، ضمیر مخاطب است، بدیهی است که اگر قرار باشد صیغه‌ی مناسب این ضمیر بیان شود، حتماً با علامت «ت» شروع می‌شود. بنابراین، فرد کلاه سبز دارنده‌ی علامت «ت» می‌بایست کارت خود را بالا ببرد. البته چنان‌چه معلم ضمیر دیگری را بیان کند (مثلاً: هما) بدیهی است که به‌دلیل غایب بودن آن، می‌بایست کلاه سبزی که علامت «ی» را در اختیار دارد، کارت خود را بالا ببرد.

این تمرین با بیان پی‌درپی ضمائر گوناگون غایب و مخاطب انجام می‌شود و طی آن گروه‌های دوفره‌ی جداگانه‌ای از دانش‌آموزان عهده‌دار در اختیار گرفتن کارت‌های علامت «ی» و «ت» می‌شوند.

۵- معلم فعل‌های به‌کار رفته در درس را بیان می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد ضمیر مناسب آن را بیان کنند. فعل‌های موردنظر از این قرار هستند:

عَلِمَ - أَمَرَ - يَقْتُلُونَ - تَجْعَلَانِ - تَفْعَلَانِ - ذَهَبَا - جَعَلَا - تَقْتُلُونَ - تَحْفَظُونَ -
 يَطْلُبُ - تَطْلُبَنَّ - تَقْدِرَنَّ - رَجَعَ - وَقَعَ - تَحْرُسَانِ - تَأْمُرُونَ - تَشْكُرَنَّ -
 تَكْتُبَانِ - تَسْأَلَانِ - تَرْفَعُونَ - تَصَدِّقَنَّ - تَفَرِّحَنَّ - تَفَرِّحُونَ

۶- برای تعمق بیش‌تر دانش‌آموزان نسبت به محتوای «حدیث‌ها و تندیس‌ها»، سؤالاتی از این قبیل از سوی معلم مطرح می‌شود:

- داور گفت در این مسابقه با چه نوع فعل‌هایی سروکار داریم؟
- چه حرفی قبل از ریشه‌ی فعل‌ها، روی تابلوها قرار گرفت؟
- جمله‌هایی که روی تابلوها نوشته شده بود، چه بودند؟

تمرین در خانه



الف) قرائت متن درس به منظور آمادگی برای انجام تمرینات کتاب
ب) قرائت متن قواعد به منظور آمادگی برای انجام تمرینات کتاب و پاسخ به سؤالاتی که در حاشیه‌ی بخش قواعد مطرح شده است.

ج) انجام تمرینات کتاب برای رسیدن به این اهداف:

- درک مفهوم درس و توجه به جزئیات آن
- تشخیص صیغه‌ی مثنی، در فعل مضارع مخاطب
- تشخیص صیغه‌ی جمع مذکر، در فعل مضارع مخاطب
- تشخیص صیغه‌ی جمع مؤنث، در فعل مضارع مخاطب
- تشخیص ضمائر اختصاصی هریک از صیغه‌های یاد شده.

تمرینات اختیاری



- قرائت متن درس به منظور آمادگی برای قرائت آن در کلاس، همراه با حالت‌ها و احساسات مناسب.

- تمرین گروهی برای اجرای نمایش، براساس متن درس
- تمرین گروهی برای اجرای بخش قواعد
- بررسی آیات قرآن به منظور استخراج آیاتی که دارای هم‌خانواده‌های این ریشه‌ها یا این کلمات هستند:

فرعون - قَتَلَ - موسی - عَجِبَ - جَعَلَ
- رجوع به قرآن کریم برای آشنایی بیشتر با داستان حضرت موسی.

اهداف تمرین‌ها

- تمرین‌های این درس، در جستجوی اهداف زیر است:
- ۱- آشنایی با متن درس و جزئیات آن در «التمرین الاول»:
 - ۲- درک مفهوم عبارات درس
 - ۳- تطبیق ضمائر مناسب برای هریک از صیغه‌های مضارع مخاطب مثنی و جمع مذکر و مؤنث در «التمرین الثاني»:

- در «التمرین الثالث»:
- ۴- آشنایی با عبارات عربی با ساختار دینی
- ۵- نحوه‌ی ساختن صیغه‌های مخاطب مفرد و مثنی و جمع
مذکر و مؤنث
- در «التمرین الرابع»:
- ۶- تشخیص کاربست مناسب برای فعل‌های مخاطب
- ۷- نحوه‌ی ساختن صیغه‌های مضارع مخاطب
- در «التمرین الخامس»:
- ۸- تشخیص مفرد، مثنی و جمع.
- ۹- توانایی ترجمه‌ی فعل
- ۱۰- ساختن صیغه‌های مضارع مخاطب